

سرمایه‌گذاری خارجی

و توسعه نیافتگی در آمریکای لاتین

ترجمه بابک قهرمان

الف . مسئله

مسئله کمکها و سرمایه‌گذاری خارجی ، بر طبق تجزیه و تحلیل های قراردادی باین صورت مطرح میشود که آیا کشور های پیشرفته ، بعنوان يك نيست‌خير، بکشورهای عقب‌مانده بیشتر از اینکه حالامی دهند بدهند یا نه . برای کشور های عقب مانده ، مسئله عبارت است از تعیین شرایطی که در تحت آن می‌تواند کمک‌ها و سرمایه گذاری خارجی را قبول کرده . بنابراین مطابق آنچه در حالت کلی بنظر میرسد مسئله نسبتاً تازه است ، و حل آن به اتخاذ تصمیمات کشورهای دهنده و گیرنده بستگی دارد . ولی سرمایه‌گذاری خارجی جزء جدائی ناپذیر تغییر و تحولات جهانی سرمایه‌داری است ، و بجای اینکه ، این تحولات بر حسب تقسیمات داوطلبانه بوجود آمده باشند از روی احتیاجات و تناقضات سرمایه‌داری و مقاصد تاریخی آنها بوجود آمده‌اند .

بنابراین ، برای فهم مسائل سرمایه‌گذاری خارجی و رابطه آن با توسعه و یا عقب ماندگی اقتصادی آمریکای لاتین (و آفریقا و آسیا) لازم است بدانیم که چگونه سرمایه‌گذاری خارجی با دیگر جنبه های تکامل سرمایه‌داری جهانی ، در مراحل مختلف تاریخ مربوط شده است . در این منظور ، ما نقش سرمایه‌گذاری خارجی را در دوران تکامل مستعمره‌داری ، امپریالیسم و نئو امپریالیسم بررسی می‌کنیم و پایایی دورانهای فوق مسئله عقب ماندگی آمریکای لاتین را ارزیابی می‌نماییم . مسئله سرمایه‌گذاری خارجی و تاثیر انسان در فرایندهای تاریخی ، باین روش ، روشن تر می‌گردد .

ب . از مستعمره داری تا امپریالیسم

۱- دوران ابتدائی استعمار

اصولاً فتح آمریکای لاتین و بااستعمار کشاندن آن ، در لباس اعمالی صورت پذیرفت که ما امروزه آنها را سرمایه‌گذاری خارجی و کمکهای خارجی می‌نامیم . کریستف کلمب ، فاتح آمریکا ، گفته است که : « در دنیا بهترین چیز طلاست ... طلا می‌تواند ارواح را نیز به بهشت بفرستد ... کورتز (۱) فاتح مکزیک اضافه کرده است که « اسپانیولی‌ها دچار نوعی مرض قابلی شده‌اند که علائش با طلا میسر است » . از گفته‌های فرانسيسكان فری‌یار (۲) است

که « هر جا که نقره نباشد ، مذهب هم نیست » . یعنی اینکه ، سفرهای دریائی و سرمایه‌گذاری اسپانیا ، همراه با تجار هلندی و ایتالیائی در آمریکای لاتین ، قسمتی از توسعه طبیعی سویل‌گرانه اسپانیا بمنظور غارت منابع طبیعی و انسانی - اغلب فزات گرانیه و کار ارزان - آمریکای لاتین و راه‌گشائی سوی توسعه کلان شهرهای (۳) کنونی است . ترکیب مناسب نقره ، سرش-پوستان ، و سازمان اجتماعی قبل از کشف مراکز تمدن آمریکای لاتین ، یعنی مکزیک و پرو ، موجب بازده بسیار زیاد سرمایه گذاری محدودی شد که در زمینه انتقال کالا به اروپا و بخش انسانی انجام پذیرفته بود . چون اروپا سرمایه و کارگر لازم را حتی برای تجمع ابتدائی سرمایه در اختیار نداشت ، از سرمایه‌های خارجی سرخپوستان آمریکای لاتین و سیاهان آفریقا استفاده برد . استفاده‌ایکه برآش آن ابتدا بلزجرده نقر ، هشت نفر از بین رفتند ، و بعد تمدن-هایی بحدی زوال یافتند ، و بالاخره عقب ماندگی دائمی ببار آمد .

در برزیل پرتغالیها ، و در دریای کارائیب هلندیها ، انگلیس‌ها و فرانسیسیها باعث قداشتن ترکیب مناسب نقره ، کارگر و تمدن بومی مساعد ، مجبور شدند که از طریق سرمایه‌گذاری خارجی پایه يك اقتصاد استعماری را بنیان گذارند . حتی این سرمایه بطور غیر مستقیم از مزارع و معادن مستعمرات اسپانیا ، از طریق بالا بردن قیمت شکر و محصولات دیگر در اروپا بدست آمد . کشورهای کلان شهری ، در سرزمین‌های استوائی ، اقتصادی کشاورزی بوجود آوردند . بدین ترتیب ، سیاهان آفریقا ، در زمین های آمریکای لاتین شکر تولید کردند که بر روی میزهای اروپائی مصرف میشد .

اگر اسپانیا و پرتغال آنطور که باید سود نبردند ، بدین علت بود که آنها خود تحت انقیاد سرمایه‌گذاری خارجی هند و انگلستان در آمدند . همانطور که نخست وزیر پرتغال در سال ۱۷۵۵ گفت ، ایندو کشور ، بدون اینکه بخود زحمت حقیقی ایجاد مستعمرات را بدهند مستعمره‌چی شدند .

اریک وینبامز (۴) نخست وزیر ترینی‌داده‌وتوباگو در کتاب خود « سرمایه داری و بردگی » ، ترکیب سرمایه گذاری خارجی و مثلث مضاعف تجارت برده ، شکر ، عرق نیشکر ، غلات ، چوب و کالاهای ساخته شده را اینطور تجزیه و تحلیل می‌کند :

آنچه را که ساختن کشتی در مورد حمل و نقل بردگان برای لیورپول قرن هجدهم انجام داد ، تولید کالاهای پنیهای در مورد خرید بردگان برای

منجستر بانجام رسانید. اولین انگیزه‌های رشد شهر نساجی منجستر از بازارهای آفریقای و هند غربی آمد. رشد منجستر بارشد لیورپول یعنی راه دریایی منجستر ببازارها، بستگی داشت - سرمایه‌ایکه در لیورپول از طریق تجارت برده جمع آمده بود بیکار بارور ساختن منجستر گرفته شد. کالاهاییکه منجستر میساخت از طریق کشتی‌هاییکه برندگان می‌راندند به آفریقا می‌رسید. بازار عمده خارجی لانکاشایر کشتزارهای هند غربی (و بعد برزیل) بود و آفریقا... این بستگی به مثلث تجارت بود که منجستر را بوجود آورد.

در واقع، صرفنظر از بعضی سرمایه‌های غیر قابل دسترس، در سهقرنی که به سال ۱۸۰۰ ختم میشد، معادل یک میلیارد لیره استرلینگ یعنی بیشتر از ارزش تمام تاسیسات کارخانه‌هایی که در همین سال در اروپا با نیروی بخار کار می‌کردند، از آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا، سرمایه به مادر شهرها یا کلان شهرهای اروپا ریخته شد. (آمریکای لاتین یک دوم این سرمایه را بوجود آورده بود.) رقمی که معادل نیمی از سرمایه‌گذاری انگلستان در بخش ذوب فلزات تا سال ۱۷۹۰ است. فقط در سالهای بین ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۰، درآمد انگلستان از هند شرقی و غربی، بیش از دوبرابر سرمایه‌ای بود که برای صنعت در حال رشد خود در اختیار داشت.

بنابراین واضح است که از همان ابتدا انتقال سرمایه از آمریکای لاتین به اروپا بود، نه بالعکس. این بدان معنی است که آمریکای لاتین دارای منابع یا سرمایه‌های بوده است که از طریق سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی به اروپا رفته و بجای خود آمریکای لاتین در آنجا بکار رفته است. در حقیقت این فقدان سرمایه نبوده است که آمریکای لاتین را محتاج به سرمایه‌گذاری خارجی کرده است، انتقال سرمایه به بیرون از آن، باعث این احتیاج شده است.

آمریکای لاتین تنها از طریق مالی از رابطه استعماری خود و کلان شهرها زیان نبرده است، اثرات بنیانی (۵) محلی که هنوز بقایای آنرا چشم می‌بینیم از این رابطه بر خاسته‌اند.

بنا بر این دومین دلیل مهم فقدان سرمایه کافی و توسعه نیافتگی در آمریکای لاتین، بنیان‌های اقتصادی محلی، سیاسی و اجتماعی عقب ماندگی بودند که خود از تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی نتیجه شدند و بر اثر همین دو عامل هنوز باقی مانده‌اند. از سرمایه‌های بالقوه و باقیمانده، قسمتی برای تهیه مواد صادراتی به کلان شهرها، بکار استخراج معادن، کشاورزی، حمل و نقل تجارت گرفته شدند، و قسمتی دیگر برای وارد کردن کالاهای تجملی از کلان شهرها. تنها قسمت ناچیزی از این سرمایه‌ها صرف تولید کالا برای بازارهای داخلی شدند. بر اثر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی منافع اقتصادی و سیاسی بورژوازی بخش‌های استخراج معادن، کشاورزی و تجارت، باقی‌مانده بود و لیز و لیز (۶) سه پایه از پایه‌های کرسی اقتصادی، به رویدادهای اقتصادی داخلی بستگی نداشت.

تا ظهور امپریالیزم، در فرایند فوق فقط دو استثنا ملاحظه شد. اول، است شدن کار تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری در دوران جنگ‌های بین کلان‌شهرها، و در دوران گسادی‌ها، مانند آنچه که در قرن هجدهم اتفاق افتاد. و دوم فقدان رابطه موثر بین کلان شهرها و مناطق دور افتاده‌ایکه کالا صادر نمیکردند. بدین جهت سرمایه‌شان جمع شد و برای بازارهای داخلی خود صنایعی ایجاد کردند، مانند سائو پائولوی برزیل، توکامان و بعضی مناطق دیگر آرژانتین، اسانسیون، پاراگوئه، گوئرته تارو و پوئبلا در مکزیک و بعضی مناطق دیگر آمریکای لاتین در قرن هجدهم.

بطور خلاصه می‌توان گفت که در دوران استعمار تاریخ سرمایه‌داری، سرمایه‌گذاری خارجی وسیله غارت کردن های منابع، استثمار کارگران، و تجارت‌های خارجی گردید. اینها باعث توسعه کلان شهرهای اروپایی، و توسعه نیافتگی کشورهای آمریکای لاتین شدند.

۳ - صنعتی شدن، تجارت آزاد و توسعه نیافتگی

تفوق اقتصادی و سیاسی بریتانیای کبیر و استقلال یافتن آمریکای لاتین پس از جنگ‌های ناپلئون باعث شد که گروه ذینفع از طریق فعالیت‌های

سه‌گانه خود، آینده آمریکای لاتین را در دست داشته باشند: ۱- آتھائی که دست‌اندرکار کشاورزی، استخراج معدن و تجارت بودند و در حفظ بنیان اقتصادی صدور کالا و ایجاد عقب ماندگی می‌کوشیدند و فقط می‌خواستند که دست اسپانیولی‌ها و پرتغالی‌ها را از امتیازات خود دور نگهدارند، ۲ - گروه‌های ذینفع صنعتی و گروه‌های دیگری از مردم آمریکای لاتین که می‌خواستند اقتصاد خود را ولو ضعیف در دست داشته باشند ولی تن به تجارت آزاد و سرمایه‌گذارهای خارجی ندهند و ۳ - انگلیسی‌های فاتح و اهل صنعت که وزیر امور خارجه‌شان لرد، گائینگ (۷) در سال ۱۸۲۴ چنین گفت: «آمریکای اسپانیا آزاد است، و اگر ما کار را خراب نکنیم، به آمریکای انگلیس تبدیل خواهد شد». بدین وسیله عاملین اصلی و طرفین مخاصمه تعیین شدند. بدین معنی که در یک طرف بورژوازی سوداگر آمریکای لاتین و تجار صنایع کلان شهرها قرار گرفتند و در طرف دیگر ناسیونالیست‌های محلی و اهل صنعت آمریکای لاتین. و نتیجه همان شد که بوسیله فرایند تاریخی سیر کاپیتالیزم تعیین شده بود.

در سال ۱۸۲۴، مطابق با توصیه‌های کائینگ، انگلستان واگذار کردن وام‌های کلان را بدولتهای آمریکای لاتین که بر اثر جنگهای استقلال و باقی‌بای حکومت‌های مستعمراتی زیر بار سنگین قرض رفته بودند، آغاز کرد. البته، وام‌ها برای تسهیل تجارت با انگلستان واگذار شده بودند و برای همین منظور حتی سرمایه‌گذارها در استخراج معادن و دیگر فعالیت‌های اقتصادی انجام پذیرفت، ولی زمان برای ظاهر کردن هدف اصلی هنوز مناسب نبود.

روزا لوگزامبورگ (۸) جمله‌ای از توگان باروت‌واسکی نقل می‌کند بدین مضمون که: «کشورهای آمریکای جنوبی از کجا توانستند در سال ۱۸۲۵ دوبرابر سال ۱۸۲۸ کالا خریداری کنند؟ انگلیس‌ها خود وسیله کار را فراهم کردند. وام‌هایی که در بورس لندن ب جریان افتاد، بکار خریدن کالاهای وارداتی رفت.» همین شخص از سیموندی چنین نقل می‌کند:

«تا زمانی که این گونه تجارت دوام کرد، و انگلیس‌ها از آمریکائیان لاتین خواستند که از روی لطف یا پول آنها از کالای آنها مصرف کنند، صنایع انگلیس بر رونق بود. در حقیقت این درآمد بیشتر نبود که موجب خرید بیشتر گردید، سرمایه انگلیسی باعث بوجود آمدن این پدیده شد. بدین معنی که انگلیسی‌ها خود با پول خود، کالاهای خود را خریدند و برای مصرف بآمریکای لاتین گسیل داشتند.»

معلوم است که در تحت این شرایط، تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری باندازه کافی نبود کلان شهرها نبود. به همین دلیل واگذاری وام‌های انگلستان به آمریکای لاتین در حدود سال ۱۸۳۰ قطع شد و تاریخ قرن بعد از سرگرفته شد. زیرا که فقط تجارت خارجی و بخصوص تجارت خارجی با ممالک آمریکای لاتین که جنگ‌های معادنشان را از کار انداخته بود، و ناسیونالیست‌هایش، به منظور حمایت صنایع خود بوضع تعرفه پرداخته بودند، هیچگاه هدف اصلی کلان شهرها نبود.

ممکن است که در حال حاضر سرمایه‌گذاری خارجی یکی از وسایل سرمایه‌داری داری باشد، ولی در دوران سرمایه‌داری کلان شهری (۹) این چنین تصور نمی‌شد. لذا قبل از اینکه تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بتواند نقش مهم و مناسب زمان خود را بازی کند باید از وسائل دیگری استفاده میشد. درست است که در ربع قرن بعد، تجارت و سرمایه‌گذاری در وقوع رویدادها عامل کم‌اهمیتی نبود، ولی ایندو وقتی می‌توانستند با کارآئی تمام عمل کنند که دیپلماسی، محاصره دریائی و جنگ‌های خارجی و داخلی بیاری آنها می‌شناختند.

در فاصله بین ۱۸۲۵ تا ۱۸۴۵، عناصر ناسیونالیستی هنوز قادر بودند که دولتها را بوضع تعرفه‌های حمایتی وادار کنند. در این دوره صنعت، کشتیرانی، فعالیت‌های توسعه‌ساز دیگر هنوز چشمگیر بود. آمریکائیان لاتین خود معادن مخروبه را آباد کردند و استخراج معادن جدید پرداختند و بخش‌های کشاورزی و صدور کالاهای اولیه را خود برپا کردند. برای توسعه اقتصاد داخلی، و تأمین کردن تقاضاهای روزافزون مواد خام خارجیان، لیبرال‌ها اصلاحات ارضی و اصلاح قانونی مهاجرت را برای بالا بردن میزان کارگر و توسعه بازارهای داخلی، خواستار شدند.

پذیرفته شد. بدین سبب بود که سرکیسه وامهای خارجی، در سالهای ۱۸۵۰، بسوی آمریکای لاتین گشوده شد. البته این وامها و سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها موجب برطرف کردن کسری موازنه نشدند، بلکه باعث بالارفتن این کسری نیز شدند. در این دوره اغلب، کلان شهرها بمنظور حفظ منافع خود ۵۰ درصد از درآمد صادرات را صرف سرمایه‌گذاری می‌کردند. آمریکای لاتین در این زمان بکرات دچار تورم و پائین رفتن ارزش پول خود شد. چون در نتیجه این کتشی‌ها و واکنش‌ها، ارزش کالاهای خام صادراتی آمریکای لاتین به کلان شهرهای اروپائی کم شده، و بر میزان ارزش کالاهای ساخته شده صادراتی کلان شهرها افزوده شده بود، بر مقدار سرمایه‌ای که از آمریکای لاتین به اروپا جریان داشت اضافه گشت. در خود آمریکای لاتین، تورم و کاهش ارزش پول باعث منفعت تجار و مالکان و چپاول و ضرر کارگران و دهقانان شد.

کاپیتالیسم صنعتی، علاوه بر برباد کردن تجارت آزاد باعث شد که بنیان‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمریکای لاتین بر حسب احتیاجات کلان شهرهای اروپا شکل بگیرند، و سرمایه‌گذاری کلان شهرها برای برطرف کردن آثار سوء تجارت آزاد، وسیله‌ای شد برای عقب راندگی و توسعه نیافتگی آمریکای لاتین.

بورژوازی طرفدار تجارت و آنها که چشم به کلان شهرها داشتند، این اصلاحات و وضع تعرفه را بضرر خود دیدند و با ناسیونالیست‌های ایالتی و صنعت‌گرا در سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۰ جنگیدند و موفق شدند. قدرت‌های کلان شهرها از طریق اسلحه، محاصره دریائی وحشی و دخالت‌های مستقیم نظامی و برافروختن جنگ‌های جدید مانند جنگ اتحاد سه‌گانه (۱۰) بر علیه پاراگوئه، به یاریان تجاری آمریکای لاتین خود کمک کردند. تنها در این جنگ ۶ نفر از هر ۷ نفر مرد پاراگوئه جان خود را برای دفاع خط آهن ملی و کوشش‌های توسعه سازانه مستقل و خودانگیخته از دست دادند.

تجارت و شمشیر از طریق حذف رقابت توسعه جویانه صنایع و پیروز کردن گروه‌های تجاری که چشم بخارج داشتند بر آنها که چشم بداخل دوخته بودند، آمریکای لاتین را برای تجارت آزاد کلان‌شهرها آماده ساخت. تنها در این حالت بود که تجارت آزاد میشد و سرمایه‌گذاری خارجی معنی می‌یافت. یک ناسیونالیست آرژانتینی آترمان چنین می‌نویسد:

« پس از ۱۸۱۰ ... موازنه پرداخت‌های کشور بطور مداوم وخیم بود و تجار بومی زیانهای زیادی دیده بودند. صادرات عمده و واردات خرده، هر دو در دست بیگانگان افتاد بود. بنابراین معلوم میشود که باز کردن درهای مملکت بزبان موازنه تمام شده بود. خارجیان نه تنها در تجارت جای بومیان را گرفته بودند، صنعت و کشاورزی هم نصیب آنان شده بود. » (۱۱)

شخص دیگری چنین می‌گوید:

« بوئنس آیرس فقط برای اینکه مصرف‌کننده محصولات و محصولات کشورهای خارج بشود خون خود را تربخت و ثروت خود را برباد نداد. این دون شان کشوری است که طبیعت بدان ثروت‌ها داده است ... اگر بگوئیم که حمایت انحصار می‌آورد غلط فکر کرده‌ایم. حقیقت اینست که آرژانتین برای مدت بیست سال تحت یک رژیم تجارت آزاد بوده است، هیچ دلیل، اکنون در دست بیگانگان افتاده است. اگر سیاست‌های حمایتی اعمال میشد، تجار خارجی تفوق اقتصادی خود را از دست میدادند و کشور بعنوان اتحاد اولین قلم خود در راه استقلال، شایسته تعینت می‌گشت ... دیگر ادامه تجارت آزاد برای کشور ممکن نیست، چه، تنها ایجاد محدودیت است که توسعه صنعتی را امکان پذیر میسازد. دیگر تحمل سنگینی انحصار خارجی که کوشش‌های صنعتی شدن را خفه می‌کند، ممکن نیست » (۱۲).

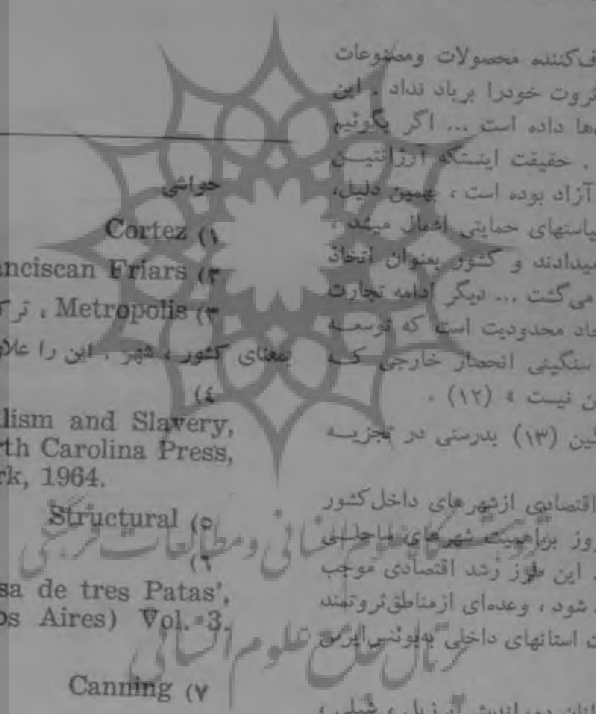
ولی سنگینی همچنان حس شد. بزرگین (۱۳) بدرستی در تجزیه و تحلیل فدرالیسم آرژانتین می‌نویسد که:

« پس از انقلاب آرژانتین، مراکز اقتصادی از شهرهای داخل کشور به بندر انتقال پیدا کردند، بطوریکه روز بروز بر اهمیت شهرهای بندری افزوده و از اهمیت شهرهای داخلی کاسته شد. این طرز رشد اقتصادی موجب شد که بر نابرابریهای مزمین مناطق، افزوده شود، وعده‌ای از مناطق ثروتمند شوند تا عده‌ای دیگر فقیر گردند. بتدریج ثروت استانهای داخلی بوئنس آیرس و سایر شهرهای شرق آرژانتین روانه شد ».

اهل صنعت، میهن پرستان، و اقتصاددانان دوراندیش برزیل، شیلی، مکزیک و سراسر آمریکای لاتین بر آنچه که از لحاظ اقتصادی داشت می‌گشت انتقادها کردند، ولی فایده‌ای نداشت. سیر کاپیتالیسم جهانی و زور شمشیر تجارت آزاد را قانون روز کرده بود. ابتدا تجارت آزاد آمد و سپس سرمایه‌گذاری خارجی.

تجارت آزاد، همانطور که ملت گرای آلمانی فردریک لیست (۱۴) گفته است، کالای اصلی صادراتی انگلستان شد. بیهوده نبود که لیبرالیسم منجست از کانتوپولیس (۱۵) برخاست، این نوع لیبرالیسم، بقول کلودیو بولیز، بتوسط بخش‌های استخراج معدن، کشاورزی و تجارت که از زمان مستعمرات داری باقی مانده، و ناسیونالیست‌های داخلی را شکست داده، و برای خدمت به منافع کلان شهرها بکار گرفته شده بودند، مورد حمایت قرار گرفت.

تجارت آزادیکه بین کلان شهرهای قدرتمند و کشورهای ضعیف آمریکای لاتین برقرار شده بود، موجب کسری موازنه پرداخت‌های این کشورها شد. برای برطرف کردن این کسری کلان شهرها، به کشورهای آمریکای لاتین سرمایه‌گذاری را پیشنهاد کردند که بتوسط این کشورها



حواشی

(۱) Cortez

(۲) Franciscan Friars

(۳) Metropolis، ترکیبی از Meter بمعنای مادر و Polis

معنای کشور، شهر. این را علاوه بر کلان شهر، مادرشهر نیز می‌نامند.

(۴)

Williams, Eric (1944) Capitalism and Slavery, Chapel Hill, University of North Carolina Press, Russell and Russell, New York, 1964.

(۵) Structural

Veliz, Claudio (1963) 'La mesa de tres Patas', Desarrollo Economico (Buenos Aires) Vol. 3, No. 1 - 2, April-September.

(۷) Canning

(۸)

Luxemburg, Rosa (1964) The Accumulation of Capital, New York, Monthly Review Press.

(۹) Metropolitan Capitalism

(۱۰) Triple Alliance

(۱۱)

Burgin, Miron (1946) the Economic Aspects of Argentine Federatism. 1820 - 1852. Cambridge, U.S.A. Harvard University Press.

(۱۲) همان کتاب

(۱۳) همان کتاب

(۱۴) Fredirich List

(۱۵) Cottonpolis. معنای تحت‌اللفظی این اسم « پنبه شهر »

میشود.